

خشت کج جشنواره فیلم فجر در بخش بین الملل

اما وضعیت نمایش فیلم‌های بخش مسابقه اصلی نخستین جشنواره فیلم فجر، آنچنان خارج از موضوع، عرف، قانون، حتی عنوان و نام جشنواره بودکه هیأت داوران هیچ جایزه‌ای به هیچ یک از فیلم‌های حاضر در این بخش نداد. هیأت داورانی که همچنان نام و اسامی اعضایش، پنهان مانده است.

اوضاع بخش به اصطلاح فیلم‌های خارجی جشنواره نخست فیلم فجر که در واقع به دلیل وجود آنها، این جشنواره عنوان بین‌المللی را یدک می‌کشد، اگر نگوییم بدتر از بخش مسابقه ایرانی، در همان حد غیرکارشناسانه و باری به هر جهت برگزار شد. در واقع آنچه در بخش خارجی اولین دوره جشنواره فیلم فجر انجام شد، خشت کجی بود که تا سال‌ها بعد همچنان پابرجا ماند و دیوار کج بخش بین‌المللی این جشنواره را تاثر پذیرد!

ماجرای از این قرار بود تعدادی فیلم خارجی که در سینماها اکران شده بود به علاوه تعدادی دیگر از آثار سینمای آمریکا و هالیوود مربوط به چند سال قبل که البته بدون مجوز کمپانی و تهیه‌کننده و بخش‌کننده و فیلمساز و ... به صورت نوار ویدئویی خریداری شده بود (حتی بدون آن‌که به قول معروف، شست سازندگان و مالکان فیلم‌های یاد شده از برگزاری چنین جشنواره‌ای باخبر باشد)، در این بخش گنجانده شد و به عنوان پویژه و فیلم‌های خارجی، عنوان بین‌المللی را بر نام جشنواره فیلم فجر چسباند!

جشنواره‌ای که استاندارد نبود

اما به رغم همه نکات ذکر شده، این جشنواره هیچ‌گاه شبایل یک جشنواره استاندارد فیلم را پیدا نکرد، زیرا:

۱- جشنواره فیلم فجر همچنان که ساختار خود را براساس ملغمه‌ای از جشنواره‌های مشابه اروپایی و مراسم اسکار قرار داده بود، برای مغیون نماندن در مقابل جشنواره‌های فوق به تدریج درصدد تقویت، تجلیل و تحسین فیلم‌هایی برآمد که به دلیل توجه آن جشنواره به آثار قبلی سازندگان‌شان در سال‌های قبل از انقلاب، در فهرستش قرار می‌گرفتند.

اعطای هشت جایزه به فیلم «هامون» در هشتمین دوره این جشنواره به بهانه رواج فرهنگ به اصطلاح علی خواهی (در حالی که فیلم هامون آشکارا و به اعتراف سازندگانش برگرفته از فلسفه، نگرش، اندیشه‌های شبه عرفانی و مادی‌گرایانه «کی ری کیگور» فیلسوف آلمانی بود)، از همین نوع بود که در واقع گونه‌ای عرفان کاذب و جعلی را در سینمای ایران باب کرد و سال‌ها، گریبان این سینما را رها نکرد. همین‌طور اهدای شش جایزه به فیلم «مسافران» بهرام بیضایی و تجلیل از نگرش مادی‌گرایانه به مرگ از دیگر خشت‌های کج جشنواره فیلم فجر برای آینده سینمای ایران بود.

۲- از آنجا که جشنواره فیلم فجر طی این سال‌ها از سوی سیستم خاصی در مدیریت دولتی اداره‌شده، به‌رغم همه‌تغییرات مدیریتی در معاونت سینمایی وزارت ارشاد، همچنان اغلب افراد معینی در ساختار این جشنواره باقی مانده و فعالیت کردند که یاد در مسئولیت اجرایی بودند یا روی نیمکت ذخیره‌ها، آماده ورود به میدان به سر می‌پردند. اما این مدیران تکراری از همان دوره‌ها نسبت تحت نفوذ تفکر و افکات گروهی خاص در ماهنامه فیلم و گزارش فیلم قرار گرفتند که مروج نوعی خاص از سینمای شبه روشنفکری بودند. از همین روست که در دوران حاکمیت مدعیان اصلاحات، فیلم ضد دینی «خانه‌ای روی آب» ساخته بهمن فرمان‌آرا جایزه فیلم دینی گرفت! و در جشنواره بیست و سوم فیلم فجر هم که سال ۱۳۸۳ یعنی دورانی دیگر از همان دولت مدعی اصلاحات (با مسئولیت محمدمهدی قلی‌دیزیان و علیرضا رضاداد) برگزار شد، فیلم «بابا عزیز» (مروج نوعی عرفان جنسی، جایزه بهترین فیلم معناگرا را دریافت کرد!

البته در دوران به اصطلاح اصولگرایی یعنی در جشنواره بیست و ششم فیلم فجر هم علاوه بر نمایش آثار خارجی و صریح با تفکر صهیونی (که از سوی محافل اوانجلیست‌های آمریکایی حمایت شده بودند) همچون «قطب‌نمای طلایی» و «اولران» و «طرح‌های فرانتک گری» و ... فیلم ضعیفی مانند «کنعان» علاوه براین که در فهرست آثار دو بخش مسابقه سینمای ایران و بین الملل قرار گرفت، با نفوذ و سوءاستفاده از رانت‌های موجود، جایزه فیلم مردمی را هم در بخش سینمای بین‌الملل کسب کرد!

تعارف با مخاطبان جشنواره

۳- جشنواره فیلم فجر در عین دارا بودن همه ویژگی‌ها و خصوصیات یک جشنواره دولتی، سال‌های طولانی از این‌که دولتی بودن خود را اعلام کند، ابا داشت و شاید همچنان داشته باشد و بعضا از سوی برخی مسئولانش، غیردولتی خوانده شد. همین عدم شفافیت باعث به‌وجود آمدن نوعی بلاتکلیفی در مدیران و مخاطبان جشنواره شد و این بلاتکلیفی در تمام ارکان ساختاری این جشنواره رسوخ کرد. هیچ وقت مسئولان برگزاری این جشنواره نتوانستند بپذیرند که اشکالی ندارد جشنواره‌ای را که تمام امکانات و هزینه‌هایش از سوی دولت تامین می‌شود، دولتی اعلام کنند. کما این‌که بخش خصوصی هم می‌تواند با سرمایه و امکانات خود جشنواره



حسین سعید مستغانی نویسنده و پژوهشگر

قرار بود «جشنواره فیلم فجر» بنا به نام و عنوانی که به آن مزین شده‌بود یعنی فجر انقلاب اسلامی و به مناسبت دهم مبارکی که در آن برگزار می‌شد یعنی دهم فجر انقلاب (۱۲ تا ۲۲ بهمن هرسال) به موضوعات انقلابی و در رابطه با انقلاب

اختصاص یابد. قرار بود فیلم‌ها و آثاری که در این جشنواره به نمایش درمی‌آید مانند هر جشنواره استاندارد موضوعی با موضوع آن یعنی فجر انقلاب اسلامی مستقیم یا غیرمستقیم نسبت داشته‌باشد. قرار بود برگزیدگان این جشنواره که هر سال در شب سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی یعنی ۲۲ بهمن معرفی می‌شوند، بهترین‌ها در زمینه‌های مختلف انقلاب اسلامی، ارزش‌ها، معیارها و اهداف آن باشند. اما متأسفانه در همان گام نخست، چنین شیوه و روشی تحقق نیافت. در نخستین جشنواره فیلم فجر که با عنوان «نخستین فستیوال بین‌المللی فیلم فجر» از ۱۲ تا ۲۴ بهمن ۱۳۶۱ در چهارمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی و دبیری حسین وخشوری برگزار شد، به جز آثار کوتاه و مستندی که در بخش‌هایی ویژه به نمایش درآمدند و بعضا به موضوعات انقلاب و جنگ تحمیلی مرتبط بودند، در بخش اصلی جشنواره فقط پنج فیلم ایرانی حضور داشت که غیر از فیلم «سفیر» ساخته مرحوم حبیب کاوش درباره فرستاده حضرت اباعبدا... الحسین علیه‌السلام، سایر فیلم‌ها ربطی به انقلاب اسلامی و فجر نداشتند.

مورد علاقه و سلیقه خود را برپا سازد که می‌سازد (جشن‌های سینمایی مجلات مختلف یا جشن خانه سینما)، از همین رو بود که در دوره‌هایی (در اواسط دهه ۷۰) برای آنمود به غیردولتی بودن، از اصناف مختلف سینمایی برای انتخاب و داوری درباره فیلم‌ها دعوت شد، ولی در نهایت این دعوت بیش از یک رست و افه دمگراتیک مآب به نظر نیامد و آن چه اعمال شد، همان سلیقه و اراده دولتی بر اساس دیدگاه‌های رسمی بود و حضور نمایندگان اصناف گوناگون سینمایی در هیات‌های مختلف انتخاب و داوری جشنواره، جز نمایشی بیش به حساب نیامد.

تهیه فیلم از کنار کوچه و خیابان

۴- جشنواره فیلم فجر با همه محدودیت‌هایی که همان سلیقه‌های دولتی ملزمش می‌کرد، هیچ‌وقت از ادعای بین‌المللی بودنش کوتاه نیامد، گرچه ممکن است دیگر شاهد تهیه و خرید فیلم از کنار خیابان (یعنی بدون اطلاع تهیه‌کننده و کمپانی و سایر عوامل فیلم) نباشیم و دیگر جایزه برنده را در دیوان و راننده سفارت حافظ منافع کشور فیلم‌ساز یا بازیگر برتر که به طور طبیعی و عقلی و منطقی غایت است، نسپاریم که حتی روحش نیز از برگزاری چنین جشنواره‌ای و شرکت فیلمش در آن هم بی اطلاع بوده است.

یادمان نمی‌رود بارها در بخش به اصطلاح بین‌الملل جشنواره فیلم فجر اتفاق افتاد که وقتی جایزه برای یک فیلم یا بازیگر آمریکایی درنظر گرفته می‌شد که فیلم‌شان بدون درخواست و حتی اطلاع آنها و با استفاده از نسخه‌های ویدئویی مرسوم به بخش مسابقه بین‌الملل جشنواره برده شده بود و طبعاً هیچ یک از عوامل فیلم یاد شده از این مسأله یعنی حضور در جشنواره و جایزه‌اش اطلاعی نداشتند، برای دریافت جایزه از سفیر کشور صاحب فیلم دعوت می‌شد و چون ایالات متحده آمریکا در ایران سفارت نداشته و ندارد، از سفیر کشور حافظ منافع آمریکا، یعنی سوئیس برای دریافت جایزه دعوت می‌شود و به علت آن‌که جناب سفیر سوئیس هم چنین کاری را در شان خود نمی‌دانست، ناگزیر از دربان یا راننده سفارت صحبت می‌شد که بازهم اگرچه در مراسم حضور نداشتند، اما گفته می‌شد که جایزه به دست آن دربان یا راننده می‌رسد که او به آمریکا و هنرپیشه یا کارگردان یاد شده برساند!

و اگرچه دیگر رقابت‌های مضحک و مسخره‌ای مابین مثلاً فیلم‌های گاو خونی و ارباب حلقه‌ها در میان نیست! که پس از یک سال و اندی نمایش ارباب حلقه‌ها در سراسر دنیا، اما تا تهیه نسخه دی وی دی فیلم به همان

روشی که توضیح داده شد، آن را به بخش مسابقه بین‌الملل جشنواره فجر ببریم.

طرفه آن‌که فیلم‌های گاو خونی و قسمت سوم ارباب حلقه‌ها در بخش مسابقه بین‌المللی بیست و دومین دوره جشنواره فیلم فجر با یکدیگر رقابت کردند! این در شرایطی بود که این دو فیلم از هیچ چنتی به یکدیگر نمی‌خوردند و از طرف دیگر قسمت سوم ارباب حلقه‌ها یعنی یازگشت پادشاه، حدود یکسال بود که در سراسر جهان به اکران عمومی درآمده و نسخه ویدئویی آن نیز در ایران با زیرنویس فارسی موجود بود! و البته شصت سازندگان و دست‌اندرکاران فیلم ارباب حلقه‌ها هم خبر نداشت که اصلاً جشنواره‌ای به نام فجر در این سوی دنیا برگزار شده و فیلم‌شان در بخش مسابقه بین‌المللی آن به نمایش درآمده و رقابت می‌کند!!

اینها شصت‌شان هم از چنین جشنواره‌ای باخبر نبود!

به همین ترتیب نیکول کیدمن را بدون هیچ چک و چونه ردنی یک راست بردند در میان نامزدهای بهترین بازیگر زن و در کنار مژده شمسایی نشاندند! و البته سیمرغ بلورین را با تقدیر از او به شمسایی دادند!! دو فیلم سگ کشی با بازی مژده شمسایی و دیگران با بازی نیکول کیدمن در بخش مسابقه بین‌المللی نوزدهمین جشنواره فیلم فجر حضور داشتند و در پایان جشنواره اسامی هر دو بازیگر به عنوان نامزدهای دریافت سیمرغ بلورین بهترین بازیگر زن اعلام شد که در نهایت جایزه به مژده شمسایی رسید!! و فراتر از آن، سیمرغ بلورین بهترین بازیگر مرد را به جک نیکلسون برای فیلم قول اعطا کردند! در حالی که او اگر هم بداند ایران در کجای جهان قرار دارد، قطعاً نمی‌داند جشنواره فجر چیست و کجاست؟! فیلم قول ساخته شان یین و با بازی جک نیکلسون در کنار فیلم‌هایی مانند دوچرخه پکنی

به کارگردانی وانگ شیائو شوای از چین، خانه‌ای روی آب ساخته بهمن فرمان‌آرا از ایران، سرزمین هیچکس ساخته ندیس تانویچ از بوسنی، براد به کارگردانی تاکشی کیتانو از ژاپن، منطقه امنیتی مشترک ساخته پارک چاون ووک از کره، در ستایش عشق به کارگردانی ژان لوک گدار از فرانسه در بخش مسابقه بین‌الملل بیستمین جشنواره فیلم فجر در سال ۱۳۸۰ حضور داشت و سیمرغ بلورین بهترین به‌ترین

جشنواره‌های اصناف و اصحاب و اصحاب

بازیگر مرد را جک نیکلسون دریافت کرد اما در سالن مراسم اختتامیه نه تنها جک نیکلسون حضور نداشت بلکه هیچ یک از عوامل فیلم یا بستگان و دوستان و آشنایان آنها هم نبودند چرا که اساساً نمی‌دانستند فیلم‌شان در چنین جشنواره‌ای و در این سوی دنیا شرکت داشته است!

اما خوشبختانه ایکت همه این کاریکاتوره‌های اجرایی از بخش بین‌الملل جشنواره فیلم فجر حذف شده و یک سیستم تقریباً عقلانی و منطقی بر این جشنواره حاکم شده به‌طوری‌که مانند همه جشنواره‌های معتبر فیلم در دنیا، فیلم‌ها از میان آثاری انتخاب می‌شوند که درخواست داده و فرمی را پر کرده‌اند باز هم بنا به هیچ‌یک از استانداردهای موجود جهانی، این جشنواره نمی‌تواند اطلاقی «بین‌المللی» داشته باشد. نمایش یک سری فیلم خارجی، آن هم با جرح و تعدیل‌های گوناگون، نمی‌تواند به یک جشنواره، وجهه بین‌المللی ببخشد.

داوران برای تمام فصول

۵- جشنواره فیلم فجر به‌رغم محدودیت تعداد هیات داوران اینچ تا هفت نفر) و طبعاً تخصص‌های موجود در آن، همواره در پی آن بوده تا درباره تمامی مسائل فنی فیلم‌ها بخش مسابقه سینمای ایران قضاوت کند و به همین دلیل اغلب داوری‌هایش مورد اعتراض‌های متعدد قرار گرفته است. گرچه در دوره بیست و یکم این جشنواره و به‌رغم تمامی مخالفت‌ها، سعی شد این رشته‌ها محدود شود ولی متأسفانه مجدداً به همان روال گذشته بازگردانده شد.

در حالی‌که هیچ‌کدام از جشنواره‌های مشابه بین‌المللی از چنین وسعتی در داوری برخوردار نیستند؛ این علامت سؤال بزرگ در مقابل قضاوت‌شان قرار می‌گیرد که چگونه یک بازیگر یا فیلمنامه‌نویس یا حتی کارگردان می‌تواند درباره رشته‌های بسیار تخصصی و فنی مانند جلوه‌های ویژه، طراحی صحنه و لباس، چهره‌پردازی یا صداگذاری و تدوین افکت‌های مخصوص آن، قضاوت کارشناسانه داشته باشد در حالی‌که نهایت اطلاعات معمول یک کارگردان یا سایر



دست‌اندرکاران تولید درباره رشته‌ها و حرفه‌های دیگر تنها می‌تواند در سطح یک نظر ارزش داشته‌شده و نه داوری. چنانچه در سطح جهانی به جز جوایزی که از سوی اتحادیه‌ها یا کانون‌های صنفی سینما به‌طور تخصصی به برترین‌های رشته مربوط به خود تعلق می‌گیرد، فقط در مراسم اسکار و جوایز آکادمی مانند آن (همچون افتا در انگلیس یا سزار در فرانسه یا گویا در اسپانیا) است که جوایز فنی اعطا می‌شود که آن هم با داوری کارشناسان و متخصصان همان رشته انجام می‌پذیرد و در جشنواره‌های مشابه جشنواره فیلم فجر همچون کن، برلین، ونیز و... با حضور پنج یا هفت یا ۹ داور، تنها در رشته‌های اصلی مانند فیلم، کارگردانی، بازیگری، فیلمنامه و در نهایت جایزه ویژه داوری می‌شود.

نسخه‌های بدون صدا و تصویر در بخش مسابقه

۶- جشنواره فیلم فجر برای احترام به اعتبارش هم که شده سال‌ها به تاریخ و زمان‌های قراردادی خود بابت دریافت نسخه‌های فیلم‌های شرکت‌کننده اعتنا نکرد و بسیاری از فیلم‌های بخش مسابقه تا لحظه نمایش خود هنوز به‌طور کامل و توسط هیأت انتخاب دیده نشده و بعضاً به‌صورت یک رده روی نوار ویدئویی و بدون صدای نهایی یا تدوین کامل و حتی بعضاً در حالی‌که مشغول فیلمبرداری صحنه پایانی آن بودند، به رؤیت این هیأت می‌رسید و این سؤال همواره وجود داشت که اگر آن تدوین و صدا یا صحنه فینال برای فیلم مذکور لازم نبوده که بدون آنها مورد تایید هیات انتخاب قرار گرفته، چرا بعداً اضافه شده و اگر لازم بوده، چگونه هیأت مذکور، فیلم فاقد صدا و تدوین و صحنه نهایی را بپذیرفته است؟!

و البته به‌رغم کم شدن این‌گونه مشکل‌ها و معضلات، هنوز هم فیلم‌های در حال آماده شدن و در نیمه راه ساخت، تنها به صرف اعتبار کارگردان یا تهیه‌کننده‌اش با موضوع آن، مورد پذیرش هیأت انتخاب جشنواره قرار گرفته یا به‌اصرد دبیر جشنواره در بخش مسابقه قرار می‌گیرد.

۷- جشنواره فیلم فجر سال‌ها بر خلاف تمامی جشنواره‌های مشابه از داشتن یک مجموعه سینمایی اختصاصی و کاخ جشنواره رنج برد و پراکندگی و وسعت سالن‌های سینمایش، آن را از صورت یک جشنواره استاندارد خارج ساخته بود، مضاف بر آن‌که تعدد نمایش فیلم‌های مسابقه هم اساساً این جشنواره را فاقد شور و نشاط لازم گرداند.

نگارنده به یاد دارد پیش از برگزاری جشنواره بیست‌ودوم فیلم فجر در زمانی که سردبیری مجله هفتگی سینما را برعهده داشتم، درویژه‌نامه جشنواره مجله، از این موضوع انتقاد کرده و پیشنهاد کاخ جشنواره را مطرح کردم که با مخالفت دبیر وقت جشنواره مواجه شد و ما را به اشرافی‌گری و امثال آن متهم کردند، گویا این تصور را داشتند که مقصود از کاخ جشنواره، مکانی مانند کاخ نیاوران یا کاخ سعدآباد است؟! ولی فعلاً چند سالی است که این مسأله حل شده و جشنواره فیلم فجر دارای کاخ جشنواره شده و حتی برای اختصاص سینمایی به آن از اهالی مطبوعات و رسانه‌ها، نظرخواهی می‌کنند.

آنان که نسبتی با جشنواره فجر نداشتند

۸- جشنواره فیلم فجر تنها سبیل دهم فجر انقلاب اسلامی نیست و برخلاف برخی ادعاها، اعتبار دهم فجر هم به برگزاری جشنواره فیلم فجر نیست. ده‌ها مراسم و جشنواره و آیین‌های مردمی و دولتی همه‌ساله و طی روزهای دهم فجر برگزار می‌شود و هر یک این دهه را پررنگ‌تر و پرانرژی‌تر می‌سازد، پس جشنواره فیلم فجر می‌تواند و باید به عنوان یکی از سبیل‌های فرهنگی جشن‌های سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، ابام این جشن‌ها را پررنگ‌تر کند و در سطح آن بخش از سینمای ایران که داعیه فرهنگی و هنری دارد برای خود اعتبار کسب کند. متأسفانه سال‌ها ست این جشنواره، فیلم‌ها و جوایزش، نسبتی با انقلاب و فجر آن ندارند و در بسیاری موارد، فیلم‌هایی در این جشنواره حضور داشته یا جایزه می‌گیرند که دقیقاً متضاد با ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب و فجر انقلاب اسلامی به نظر می‌رسند، مثال این مدعا کم نیست و اعطای سیمرغ بلورین به فیلم‌هایی همچون جرم (مسعود کیمیایی)، خانه‌ای روی آب (بهمن فرمان‌آرا)، هامون (داریوش مهرجویی)، مسافران (بهرام بیضایی)، ابد و یک روز (سعید روستایی) و ... از جمله این آثار بودند.

۹- به‌رغم همه آنچه گفته شد، جشنواره فیلم فجر هنوز میان سینماگران، تماشاگران و دست‌اندرکاران سینمایی کشور، معتبرترین فستیوال فیلم داخلی محسوب می‌شود ولی می‌تواند با عنایت به حل معضلاتی که برشمرده شد به ابعاد مختلف یک جشنواره استاندارد و واقعاً معتبر هم دست یابد.

